

مشاهیر افغانستان

ما بعد از شمارهای گذشته . بقلم : م . کریم خان نزهی

عبادی هروی : ابو عاصم محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن عباد العبادی از علمای مبرز هرات و مشاهیر فقهای شافعیه است ، که سمانی باده (عبادی) و برخ دیگری باده هروی او را متذکر شده ، امام و مفتی نیز مینویسند (۱) و روایت حدیث نیز بوی نسبت داده اند . و عبادی بفتح عین مهمله و تشدید با موحده و بعد از الف دال ، نسبت وی است بجدش عباد .

بقراریکه مینگارند (۲) بسال ۳۷۵ هـ مطابق ۹۸۵ م تولد یافته ، پیوسته شهر بشهر مسافرت اختیار کردی . و با گروهی از مشایخ و علما ملاقات نموده ، از آنها استفاد های مادی و معنوی بردی .

رو بهمرفته در هرات از قاضی ابو منصور ازدی و در نیشاپور از ژرد قاضی ابو عمرو بسطامی اکتساب فقه نموده ، از ائمه دقیق النظر متفنن بشمار میرود .

ابوسعدهروی (صاحب کتاب الاشراف فی ادب القضا و غوامض الحکومات) از او اخذ فقه و سمع و روایت حدیث نموده .

وفاتش بسال ۴۵۸ هـ مطابق ۱۰۶۶ م بانفاق پیوسته ، زیاده برین اطلاعی از او در دست نیست .

ادب القضاء ، المبسوط ، الهادی الی مذهب العلماء (در فقه) کتاب الرد علی القاضی السمعی و طبقات الفقهاء از تالیفات اوست .

[۱] اسلب ورق ۲۷۹ .

[۲] ویات الاعیان ج اول ص ۴۶۳ .

خطابی بستى : اسم ، گنیه و لقب وی بقرا آنچه که نگاشته اند؛ و به صحت رسیده، ابوسلیمان حمد بن محمد بن ابراهیم بن خطاب الخطابی البستی (۱) است. و خطابی بفتح خاء معجمه و تشدید طاء مهمله و بعد از آن الف و باء موحد و یا، نسبت وی است بجدش خطاب که نویسنده وی از ذریه زید بن الخطاب بوده است.

و هر چند مؤرخین متفقند بر اینکه اصلاً اسم وی (حمد) بدون همزه است، ولی با ثبات همزه (احمد) نیز شنیده شده. چنانکه حاکم نیشاپوری (۲) راجع بنام مذکور می گوید از ابوالمظفر بستى پرسیدم، بعضی اسم ابوسلیمان را احمد (با ثبات همزه) هم می گویند. صحتی دارد یا خیر؟ ابوالمظفر گفت من از خود ابوسلیمان شنیدم که میگفت نامم حمد است، ولی مردم مرا احمد هم نوشتند، و من دنباله آنرا واگذار شدم (۳) .

خطابی از فقها و محدثین مبرز عصر خود بوده، و هم مردی ادیب بشمار میرفت. تولدش بسال (۳۱۷) سه صد و هفتاد و هجری مطابق ۹۲۹ هـ صد و بیست و نه مسیحی با اتفاق پیوسته جهت تحصیل و انکتساب علوم به مسافرت نواحی و اکناف مختلفه عالم می برداخت، در عراق از ابوعلی صفار و ابوجعفر رازی و غیر هما استماع حدیث نموده. و ابو عبدالله حاکم نیشاپوری، عبدالغفار بن محمد فارس و

[۱] بستى نسبت وی است به بست که از شهرهای تاریخی وطن عزیز ما افغانستان بشمار رفته، واقع در قرب قندهار است. بخلاف امروز در زمانهای سابق دارای آبهای جاری و اشجار فراوانی بوده، مهد پرورش بسا از علما و رجال بزرگواری میباشد.

[۲] مراد، از حاکم نیشاپوری ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن حمد و به بن نعیم الفی الطهانی نیشاپوری معروف باین بیع است. که از اکابر حفاظ حدیث و مصنفین بوده، [تولدش بسال ۴۲۱ هـ و وفاتش ۵۱۰ هـ] هر دو در نیشاپور وقوع یافته. صحیح در حدیث و مستدرک علی الصحیحین از تألیفات اوست.

نه ابوحامد محمد بن احمد بن اسحاق معروف بحاکم نیشاپوری که وی نیز از رجال حدیث در قرن چهارم هجری بوده، در سال (۴۷۹) هـ و فلت نموده است. رجوع شود باور الفدا حوادث، سنه « ۴۷۹ » و سنه « ۴۰۵ » هـ و وفیات الاعیان ج اول ص ۴۸۱.

۲ - وفیات الاعیان ج اول ص ۱۶۷.

ابو القاسم عبدالوهاب بن ابی سهل الخطابی و غیر هم از او روایت حدیث دارند .
و به ربیع الاول سال (۳۸۸) سه صد و هشتاد و دو هشت هجری مطابق
(۹۹۸) هجری و نود و هشت مسیحی در بست از یزید بن ابی سفيان فانی از نحال نموده ،
معالم السنن (در شرح سنن ابوداؤد) اصلاح غلط المحدثین ، غریب الحدیث
و شرح بخاری از امهات تصانیف و آثار اوست .

و نظر بر وایت مرحوم شمس الدین سامی (۱) اشعار عربی نیز می سروده
و بیت ذیل از اوست :

شرباع العوادی دونه وزر والناس شرم مادونه وزر
کم معشر سلوالم یؤذم سبع و ما تری بشرألم یؤذه بشر

ابو حاتم بستی : محمد بن حبان (۲) بن احمد التمیمی بستی است . که از
اکابر فقها و مشاهیر محدثین عصر خود بود . چنانچه اکثر از نقاد حدیث ، کتاب
صحیح (در حدیث) او را بر سنن ابن ماجه (قزوینی) ترجیح داده و به
نسبت آن صحیح تر میدانند (۳) .
بعلاوه حدیث و فقه در تاریخ ، جغرافیا و قسمت های مختلف علوم ادبیه براعت
قابل قدری داشته ، و دارای تالیفات متعدد مختلفه المضامین است .

تو ایش باتفاق مورخین در بست صورت گرفته ، و متأسفانه با وجود شهرت
جهانگیر آن از سال ولادتش اطلاعی بنظر نرسید .

ابو حاتم موصوف بسیاحت بمالك مختلفه ، جهت تحصیل علم و اکتساب معلومات
اقدام و بخراسان ، شام ، عراق ، مصر و الجزیره مسافرتها نموده و قسمتی از عمر

۱ - قاموس الاعلام ح ۲ ص ۲۰۵ - ۲ - حبان بکسر حاء مهمله و باء موحده بعد از ان الفنون . تاریخ ابوالفدا
حوادث ص ۲۵۴ - ۲ - الاعلام خیر الدین زرکلی ج ۲ ص ۸۸۰ .

خود را دران دیار بسر برده است .

از انجمله زمانی در سمرقند متقلد منصب قضای آنجا گردیده ، و پس از زمانی از آنجا براه نیشاپور وارد موطن اصلی خود است میشود . و بتاریخ (۳۵۴) سه صد و پنجاه و چهار هجری مطابق (۹۶۵) نهصد و شصت و پنج مسیحی در آنجا وفات می نماید . وی یکی از نویسندگان مبرز و ولود عصر چهارم هجری بشمار رفته ، تصانیف متعددی در علوم مختلفه از او بیادگار مانده است ، از انجمله روضة العقلا (طبع شده) علل اوهام اصحاب التواریخ در (۱۰) ده جزء و غرائب الاخبار در (۲۰) جزء از سنادیدم مؤلفات وی است .



آدم بن احمد هر وی : کنیه وی ابوسعید و اسم و سلسله نسب او بقراریکه سیوطی در بغیة الوعاة و سمعی در کتاب الانساب نگاشته ، آدم بن احمد ابن اسد هر وی است ، اصل وی از هرات و بقراریکه علامه ابن خلکان در وفیات الایمان (۱) مینویسد : از اولاد ابوعاصم محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله ابن عباد العبادی هر وی است . و از او اخذ فقه و استماع حدیث نموده و حدیث روایت کرده .

ابوسعید ابتدا زمانی در بلخ سکونت ، بعد ها جهت ادای فریضة حج روانه بیت الحرام شد . و پس از زیارت حج در حین بازگشت وارد بغداد گردیده ، و در آنجا اقامت اختیار گزید . و امرار حیات می نمود . منزل او اجتماع گاه اهل فضل گردیده ، شخصیتش مرجع خواستاران علم و ادب بود . در آنجا بتدریس علوم ادبیه و تعلیم حدیث اشتغال داشته ، اشخاص زیادی از نزد او قرائت و استماع حدیث می نمودند ، و از وجودش استفاده ها میبردند .

۱- و وفیات الایمان ج اول ص ۴۶۲ .

در اصول فقه معرفت شایسته داشته ، در حسن سیرت و صیانت اخلاق معروف بود . بعلاوه فقاہت در علوم مختلفه ادبیه نیز شهرت و مکانت بلندی را حائز گشته ، مردی فاضل ، نحوی ، لغوی و بمعنی تمام شخصی ادیب بشمار میرفت . بلکه به نسبت فقه بمراتب در نحو و لغت شهرت بیشتری حاصل کرده . در اکثریه از کتبی که از او اسم برده اند ، وی را نحوی و لغوی خوانده اند .

می نویسند که ؛ در بین او و ابو منصور جو الیقی (۱) منافرتی جریان داشته ، وفقی با ابو منصور گنت خود را بجو الیقی نسبت کردن چندان حسنی ندارد ، چه جو الیق جمع و جمع منسوب نمی شود .

وفاتش به بیست و پنجم ۲۵ شوال سال ۵۳۶ پنجم دوسی و شش هجری با اتفاق پیوسته ، از مشاهیر تصانیف او (کتاب الاشراف فی ادب القضا و غوامض الحکومات) است .



۱ - مرهوب بن احمد بن الحسن الحضرمی ابو منصور جو الیقی از ائمه نحویین و علمای لغت است در فزون مختلفه ادب مهارتی داشته . بملاحت خط و وفور عقل معروف بود . مصاحبت خطیب تبریزی را دریافته ، از ابوالقاسم بن البصری و ابو طاهر بن ابوالصقر سمع حدیث نموده . و بعد از تبریزی در نظامیه بغداد تدریس علوم ادبیه باو محول گشته ، با ملامت معتزلی بالله اختلاس یافت . تولدش باصح روایات بسال ۴۶۱ هـ است ، وفاتش به نصف محرم سال ۵۲۹ هـ در بغداد بوقوع پیوسته ، در باب الحرب دفن گردید . شرح ادب الکتاب ، ما عرب من کلام العجم و شمه در الفواص از تصانیف معروف اوست .